



بررسی آثار سیاست اعتباری خرد بر شاخص توزیعی در آمد به تفکیک استان‌های کشور

رویا سیفی‌پور^۱

نارسیس امین‌رشتی^۲

کامران نوایی‌زند^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۹

چکیده

امروزه در اکثر کشورها سیاست اعطای اعتبارات خرد راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است. این تحقیق به بررسی آثار سیاست‌های اعتباری خرد بر توزیع درآمد برای دو گروه استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار (۱۲ استان) و استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار (۱۸ استان) طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ به روش پانل دیتا (اثرات تصادفی) می‌پردازد.

نتایج مدل نشان می‌دهد در استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار، افزایش نرخ رشد اعتبارات اعطایی خرد بانکی، نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ رشد درآمد سرانه خانوار و نرخ رشد اعتبارات هزینه‌ای سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود اما افزایش نرخ تورم سبب افزایش نابرابری می‌شود. در مدل استان‌های با درآمد بالای خانوار، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ رشد اعتبارات هزینه‌ای، نرخ رشد اعتبارات خرد بانکی باعث افزایش

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

roy.seyfi@iauctb.ac.ir

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

narciiss.aminrashti@gmail.com

۳- کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

kamran.navabi@yahoo.com

نابرابری توزیع درآمد و نرخ رشد درآمد سرانه خانوار و نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. اتخاذ سیاست‌های اعتباری خرد در استان‌های با درآمد بالا سبب بدتر شدن توزیع درآمد و در استان‌های با درآمد پایین سبب بهتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سیاست اعتباری خرد، توزیع درآمد، اعتبارات اعطایی، نرخ مشارکت، روش پنل دیتا.

طبقه بندی JEL: D31, H81, E24

۱- مقدمه

توزیع عادلانه درآمد همواره از مهم‌ترین مباحث در اقتصاد کشورهای مختلف جهان است. در سال‌های اخیر بعد از عنوان شدن طرح کاهش فقر در جهان، چگونگی توزیع درآمد بیشتر مورد توجه قرار گرفت زیرا در دنیای امروز بزرگترین عامل ایجاد فقر، نه کمبود درآمد بلکه توزیع ناعادلانه آن است. البته این امر به معنای یکسان بودن سهم تمامی گروه‌ها از درآمد کشور نیست بلکه مساله مهم توزیع عادلانه بر مبنای توانایی‌های افراد مختلف است که می‌تواند به ایجاد توازن و تعادل بیشتر در جامعه بیانجامد.

از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانوارها به میزان درآمد آن‌ها بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه می‌شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی هر سیاست اقتصادی، بررسی آثار توزیعی آن می‌باشد، به همین جهت دولت‌ها مایلند قبل از اجرای سیاست، از توزیع مجدد درآمد و تاثیرات احتمالی چنین سیاست‌هایی بصورت کمی و ملموس آگاهی داشته باشند.

از عوامل موثر بر نحوه توزیع درآمد در اقتصاد کشور می‌توان به عواملی نظیر اشتغال، تورم، رشد اقتصادی، بعد خانوار، درآمد سرانه یک خانوار، ترکیب و ساختار بازار، کل مالیات دریافتی از هر خانوار، هزینه دولتی و پرداخت‌های انتقالی، بهره‌مندی از امکانات و خدمات عمومی، میزان دسترسی به بازار، میل نهایی به مصرف و پس‌انداز، عوامل مربوط به خصوصیات شخصی افراد (سن، جنس، آموزش و تحصیلات و ...) و عوامل مربوط به ساختار اقتصادی - اجتماعی (اندازه دولت، رانت خواری و ...) اشاره نمود. (هوشمند و قاضی، ۱۳۸۷، ص ۱۱) در این مقاله هدف آن است که علاوه بر برخی از متغیرهای فوق تاثیر سیاست‌های اعتباری به صورت مشخص بر توزیع درآمد بررسی شود. سیاست‌های اعتباری از جمله سیاست‌هایی است که از یک طرف می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد اشتغال داشته باشد و از طریق رشد اقتصادی توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار دهد و از طرف دیگر نیز از کانال درآمدی می‌تواند در توزیع مجدد درآمد تاثیرگذار باشد.

در برنامه اعتبارات خرد، موضوع اشتغال و کاهش فقر اهمیت به سزایی دارد. تخصیص اعتبارات خرد (بانکی و غیر بانکی) با ساز و کار مشخص برای پدید آوردن یک واحد کسب و کار کوچک جدید یا توسعه آن است که در حالت اول تامین سرمایه ثابت و در نتیجه پدید آوردن حداقل یک فرصت شغلی برای گرداننده واحد مورد نظر و در حالت دوم تامین سرمایه در گردش و کاهش هزینه تولید (به دلیل افزایش امکانات تکنولوژیکی و افزایش کارایی تخصصی) را به دنبال دارد که در کل سبب تقویت سرمایه اجتماعی و اثر بخشی بیشتر این برنامه در کاهش محرومیت‌های اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد می‌شود.

در این مقاله ابتدا تجربه کشورها با تاکید بر نقش سیاست‌های اعتباری خرد در کاهش فقر و نابرابری بیان می‌شود. در بند سوم پیشینه تحقیق ارائه می‌شود. قسمت‌های چهارم، پنجم و ششم به فرضیه‌های تحقیق، جامعه آماری و روش تحقیق اختصاص دارد. در قسمت هفتم روند ضریب جینی و اعتبارات اعطایی در سطح استانی بررسی می‌شود. قسمت هشتم به برآورد مدل اختصاص دارد. در نهایت توصیه‌های سیاستی بیان می‌شود.

۲- بررسی تجربه کشورها در اجرای سیاست‌های اعتباری خرد

اعتبارات خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبلغ کم بدون وثیقه به افراد کم درآمد است که این افراد در مدت زمان کوتاهی مبلغ یاد شده را باز پرداخت می‌کنند. (کریمی کمال آباد، ۱۳۹۰، ص ۱۰) کمیته بین‌المللی نظارت بانکی بازل تامین مالی خرد را به مفهوم ارائه خدمات مالی در مقادیر محدود به افراد با درآمد پایین یا کسب و کارهای کوچک و غیرمتشکل تعریف می‌کند که توسط انواع موسسات مالی به عنوان فعالیت اصلی و یا بخشی از پورتفوی دارایی‌های آن‌ها در حال عرضه است. هرچند ارائه اعتبارات (به کشاورزان کوچک) از اواسط قرن نوزدهم، با ایجاد شرکت‌های تعاونی اعتبار توسط فردریک رایفزن^۱ در آلمان آغاز گردیده و در اوایل قرن بیستم در برخی از کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان گسترش یافته است. نهضت "انقلاب اعتبارات خرد" به گفته خانم مارگارت رابینسون^۲ با ایجاد گرامین بانک^۳ یا بانک دهکده در سال ۱۹۸۳ در بنگلادش آغاز شده و به بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته گسترش یافته است.

بطور کلی توسعه و گسترش نهادهای تامین مالی خرد موجب می‌شود نیازهای سرمایه‌ای کارفرمایان خرد فراهم شود، فرصت مناسب سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌ها فراهم شود، فرصت پس-انداز برای افراد پدید آید و با ادامه فعالیت درآمدت این موسسات، عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد صورت گیرد. (حسن زاده و قویدل، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳). در این قسمت به تجربه برخی از کشورها اشاره می‌شود:

الف. بنگلادش

کشور بنگلادش با فراهم‌سازی منابع مالی برای واحدهای کوچک اقتصادی و گروه‌های خاص به ویژه زنان از طریق موسسات تامین مالی موسوم به گرامین بانک^۴ نقش مهمی در فقرزدایی در سطح جامعه ایفا کرده است. در جدول ۱ نام این موسسات به همراه هدف از تاسیس آن‌ها ذکر شده است. این کشور را می‌توان مبدا تأمین مالی خرد قلمداد کرد.

جدول ۱- موسسات تامین مالی خرد و اهداف آن‌ها در بنگلادش

نام شرکت	تاسیس	هدف تاسیس
گرامین تراست ^۵	۱۹۸۹	آموزش و حمایت فنی و مالی به موسسات اعتبارات خرد در دنیا
بنیاد کشاورزی گرامین ^۶	۱۹۹۱	آموزش و کمک برای بهبود محصولات کشاورزی
گرامین اوداگ ^۷	۱۹۹۴	صادرات پارچه‌های دستباف گرامین
صندوق گرامین ^۸	۱۹۹۴	حمایت مالی برای شروع پروژه‌های کارآفرینی
بنیاد شیلات و دام گرامین ^۹	۱۹۹۴	برنامه فروش ماهی و احشام
گرامین تلکام ^{۱۰}	۱۹۹۵	خدمات مخابراتی و ارتباطی برای فقرا
گرامین شاکتی ^{۱۱}	۱۹۹۶	تولید انرژی‌های نو در مناطق روستایی بنگلادش
گرامین سایبرنت ^{۱۲}	۱۹۹۶	ارائه سرویس اینترنت
رفاه گرامین ^{۱۳}	۱۹۹۶	خدمات درمانی و رفاهی برای اعضا و کارکنان بانک گرامین
گرامین فون ^{۱۴}	۱۹۹۶	ارائه خدمات تلفن همراه
گرامین شیکا ^{۱۵}	۱۹۹۷	بورسیه تحصیلی و دیگر کمک‌ها به دانش‌آموزان فقیر
مدیریت سرمایه گرامین ^{۱۶}	۱۹۹۸	مدیریت سرمایه‌گذاری
راه‌حل‌های گرامین ^{۱۷}	۱۹۹۹	ارائه راه‌حل‌های فناوری اطلاعات برای شرکت‌ها
ترویج کسب و کار گرامین ^{۱۸}	۲۰۰۱	تدارک ضمانت وام برای کسب و کارهای کوچک
آموزش ستاره گرامین ^{۱۹}	۲۰۰۲	آموزش فناوری اطلاعات
صندوق سلامت گرامین ^{۲۰}	۲۰۰۶	تامین مالی شرکت خدمات درمانی گرامین
گرامین دانون ^{۲۱}	۲۰۰۶	ارائه غذاهای مغذی و در عین حال مقرون به صرفه به فقرا

منبع: محمد یونس، ۲۰۰۹، جهانی بدون فقر

ب. مالزی

در سال ۱۹۹۳ کشور مالزی با الگوبرداری از بانک گرامین بنگلادش با عنوان آ. ای. ام^{۲۲} (نام برنامه الگو برداری شده، در مالزی) به دلایل زیر موفق بود:

اتخاذ سیاست‌های مطلوب اقتصاد کلان، کشاورزی و روستایی، نظام ابتکاری و کم هزینه توزیع اعتبارات، نوآوری و انعطاف‌پذیری در شرایط و مقررات وام، تجهیز پس‌انداز داخلی به عنوان منبع در حال رشد وجوه و در نتیجه کاهش یا حذف نیاز به منابع مالی اعطایی، فعالیت در مناطق دارای تراکم جمعیتی بالا و فقیر، نظارت دقیق بر عملکرد وام‌ها، سیستم مدیریت اطلاعات پیشرفته که با برنامه‌ریزی مؤثر، کنترل و نظارت به موقع توانسته است اعطای وام و بازپرداخت آن را تسهیل کند.

همچنین صندوق‌های پس‌انداز کارگران به نام ای. دی. پی^{۲۳} فرصتی را برای کارگران فراهم کرد تا به صورت غیرمستقیم در صنایع بزرگ سرمایه‌گذاری کنند و از سود حاصل از آن وضعیت کارگران بهبود یابد. (پاکروان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰)

ج. کره جنوبی

در سال ۲۰۰۸ میلادی دولت کره جنوبی نیز اقدام به ایجاد بانک‌های اعتباردهنده خرد (شامل بانک‌های سپرده‌پذیر، تعاونی‌ها، اتحادیه‌های اجتماعی و موسسات مالی) نمود که منابع لازم آن از سپرده‌های مسکوت و خوابیده^{۲۴}، وجوه اهدایی از سوی شرکت‌های چند ملیتی پیشرو، وجوه متعلق به پنج بانک تجاری پیشرو تامین شده است. این بانک وام‌هایی را با نرخ بهره بسیار پایین (بین ۲ تا ۴٫۵ درصد و کمتر از نرخ بهره معمولی) بدون نیاز به وثیقه و ضامن به خانوارهای کم درآمد اعطا می‌کند. دولت نیز وام‌های اعطایی را تضمین نموده است. (برین، ۱۳۹۲، ص ۸۳)

د. مکزیک

دولت مکزیک برنامه پروگرسا^{۲۵} (نام برنامه ابتکاری برای مقابله با فقر) را برای مناطق فقیرنشین مکزیک اجرا کرد. براساس این پروژه به خانوارهای ساکن در مناطق فقیرنشین روستایی و نیز حاشیه شهرهای بزرگ وام‌هایی برای کمک هزینه زندگی اعطا می‌شود که دو هدف بهبود وضع جاری زندگی خانوارهای دارای شرایط و ارتقای سطح سرمایه انسانی^{۲۶} با تشویق خانوارها برای سرمایه‌گذاری جهت ارتقای وضعیت آموزش و بهداشت فرزندانشان را به دنبال داشت. در حال حاضر نسخه‌های متفاوتی از آن در مناطق فقیرنشین کشورهای دیگر مانند فیلیپین، برزیل، شیلی، کلمبیا، جامائیکا، اندونزی، ترکیه، مصر و بنگلادش اجرا شده است.

هـ. سریلانکا

مؤسسات تأمین مالی خرد در این کشور شامل بانک توسعه روستایی^{۲۷} و بانک رفاه است که متعلق به دولت و یا از منابع دولتی برخوردارند. این مؤسسات به تأمین مالی در حوزه تولید پرداختند که هدف آن‌ها کاهش فقر و اجرای برنامه‌های اجتماعی است. همچنین سازمان غیردولتی همیاری مسلمانان (میسل^{۲۸}) فرآیند تأمین مالی خرد به شیوه اسلامی را در حوزه تولید در دو مرحله اجرا می‌کند. در مرحله اول تأمین مالی به شیوه عقود مبادله‌ای (دارای بازده ثابت) است در صورتی که دریافت‌کنندگان وام توانمندی خود را در استفاده صحیح از منابع و همچنین تعهد برای

بازپرداخت وام به درستی نشان دادند مؤسسه مذکور در مرحله دوم وام‌های مشارکتی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. (شهیدی نسب و حسن زاده، ۱۳۹۱، ص ۵۲)

و. اندونزی

بانک‌های روستایی کوچک با نام بانک راکیات^{۲۹} با هدف اعطای وام به روستاییان برای هر نوع فعالیت اقتصادی روستایی با بازدهی مثبت و انجام هر نوع عملیات واسطه‌ای مالی تشکیل شده است. این اعتبارات جایگزین اعتبارات یارانه‌ای شده است و به وثیقه نیاز ندارد و اغلب از معرف‌های شناخته شده محلی به عنوان ضامن استفاده می‌کنند. (بختیاری، ۱۳۸۴، ص ۸)

ز. اعتبارات خرد در ایران

در اقتصاد ایران موسساتی تحت عنوان موسسات تامین مالی خرد تاسیس نشده است، لیکن این شیوه تامین مالی قبل از انقلاب با موسساتی نظیر صندوق‌های روستایی، صندوق‌های تعاونی، شرکت‌های تعاونی روستایی و . . . اجرا شده است. بعد از پیروز شدن انقلاب نیز موسساتی مانند بانک کشاورزی (ایجاد اشتغال و کاهش فقر در روستا)، سازمان بهزیستی و . . . این وظیفه را داشتند. این موسسات وام‌های خود را براساس سیستم بانکداری اسلامی ارائه می‌کنند. این ابزارها به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند که عبارتند از ابزارهای مالی غیرانتفاعی که براساس قراردادهای وقف و قرض الحسنه طراحی شده‌اند (اوراق قرض الحسنه)، ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود معین که براساس عقود مبادله‌ای طراحی شده‌اند (اوراق مرابحه، منفعت، اجاره، استصناع)، ابزارهای مالی انتفاعی با نرخ‌های سود انتظاری که براساس عقود مشارکتی طراحی شده‌اند (اوراق مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات).

۳- پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در حوزه توزیع درآمد در ایران (حسینی و قبادی، ۱۳۹۷) انجام شده است. برخی از مطالعات به بررسی تاثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵، دیزجی و آهنگری گرگری، ۱۳۹۴ و علمی و آریانی، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند اما تنها مطالعه‌ای که در مورد اثر اعتبارات خرد بر توزیع درآمد باشد مطالعه (حسن زاده، ازوجی، ۱۳۸۵) است که برای ۲۸ استان کشور و دوره زمانی ۸۰- ۸۲ انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد افزایش اعتبارات خرد (نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات به عنوان متغیر جایگزین) منجر به کاهش فقر (افزایش درآمد سرانه به عنوان متغیر جایگزین) می‌شود.

رید و بفوس، ۱۹۹۴^{۳۰}، در مطالعه خود نشان دادند نهادهای تأمین مالی خرد می‌توانند با تأمین بخشی از سرمایه در گردش و یا هزینه خرید دارایی‌های ثابت به افزایش دارایی‌های بنگاه‌های کوچک کمک کنند. با گذشت زمان با ارتقاء بهره‌وری و تعداد نیروی کار شاغل، بنگاه‌های کوچک قابلیت استفاده از وام‌ها و اعتبارات بخش رسمی را خواهند داشت.

شفیع الله و ونکونگ، ۲۰۱۳^{۳۱} با استفاده از روش پرسشنامه در دو گروه خانوار بنگلادشی دریافت‌کننده اعتبارات و بدون دریافت اعتبارات به بررسی اثر اعتبارات خرد بر کاهش فقر پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد برنامه اعتبارات خرد به بهبود درآمد و وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان و خانوارهای روستایی کمک می‌کند و سبب افزایش دارایی خانوارها می‌شود لیکن در گروهی که اعتبارات دریافت نکرده‌اند تغییری در وضعیت آن‌ها حاصل نشده است.

فرهاد ایسرا و علی رحمت، ۲۰۱۳^{۳۲}، به بررسی تاثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر کاهش فقر در پاکستان در سال‌های ۱۹۹۴ - ۲۰۰۵ با استفاده از روش OLS پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که درآمد سرانه، وجوه یا حواله‌های ارسالی خارجی، مخارج توسعه‌ای، تولید ناخالص داخلی و کاهش بیکاری تاثیر معنی داری در کاهش فقر دارند. همچنین افزایش تورم و اندازه خانوار سبب تشدید فقر می‌شود.

جیانگ، وانگ و دین چین، ۲۰۱۵^{۳۳} نشان دادند رابطه مثبتی بین اعتبارات و درآمد خانوارهای فقیر در ویتنام وجود دارد. اعتبارات رسمی نقش مهم‌تری در مقایسه با اعتبارات غیررسمی در افزایش درآمد سرپرست خانوارهای فقیر دارد.

۴- فرضیه تحقیق

سیاست‌های اعتباری خرد در استان‌های کشور به تفکیک درآمد سرانه خانوار (پایین و بالا) منجر به بهبود توزیع درآمد می‌شود.

۵- جامعه آماری

برای بررسی اثر سیاست‌های اعتباری خرد در استان‌های کشور، استان‌ها از نظر درآمد سرانه خانوارها به دو گروه استان‌های با درآمد بالا و پایین تقسیم می‌شود و برای هر نمونه یک مدل برآورد می‌شود. هر دو مدل به روش پانل دیتا و با استفاده از نرم افزار Eviews برآورد خواهد شد و اثرات متغیرها در هر یک از مدل‌ها با یکدیگر مقایسه خواهند شد.

بازه زمانی تحقیق حاضر، سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ (۶ سال) و برای ۳۰ استان کشور می‌باشد. با توجه به اینکه براساس آخرین تقسیمات کشوری، کرج با نام استان البرز در مرداد ماه سال ۸۹ از

تهران جدا شده است. استان تهران و البرز با هم در نظر گرفته شده است. استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار شامل ۱۲ استان: اردبیل، بوشهر، تهران، خوزستان، فارس، قزوین، قم، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، گیلان، مازندران و یزد و استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار شامل ۱۸ استان: آذربایجان غربی و شرقی، اصفهان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و رضوی و جنوبی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، مرکزی، لرستان، هرمزگان و همدان می‌باشد.

۶- مدل تحقیق و شرح متغیرها

متغیرهای مدل از مطالعه فرهاد ایسرار و علی رحمت، ۲۰۱۳ که تکمیل‌کننده مطالعه حسن زاده، ازوجی و قویدل، ۱۳۸۵ انتخاب شده‌اند. در این مدل، ضریب جینی پراکسی از توزیع درآمد است که تابعی از تورم، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌ها، درآمد سرانه خانوارها در سطح استانی، نرخ مشارکت اقتصادی، اعتبارات خرد و اعتبارات هزینه‌ای در سطح استانی است. در این قسمت توضیح مختصری پیرامون اثرات نظری این متغیرها بر توزیع درآمد ارائه می‌شود.

تورم شدید یا نامطلوب (۱۰ تا ۲۵ درصد در سال) برای برخی از مردم به منزله مالیات و برای برخی دیگر نوعی یارانه تلقی می‌شود. این نوع تورم از قدرت خرید واقعی افراد دارای درآمد اسمی ثابت (مانند کارمندان دولت، کارگران، حقوق بگیران، افراد بازنشسته و مستمر بگیران) می‌کاهد. در مقابل افرادی که دارای ذخائر دارائی‌های ثابت از قبیل مسکن، زمین، جواهرات و ... هستند منتفع می‌شوند. همچنین تورم به نفع بستانکاران و بدهکاران به سیستم بانکی است. این بدهکاران، اغلب از گروه‌های بالای درآمدی هستند که به علت داشتن وثیقه‌های موثق‌تر امکان دریافت اعتبارات بانکی را داشته‌اند. از سوی دیگر تورم پس‌انداز اندک کسانی که درآمدهای اسمی ثابت دارند را کاهش می‌دهند. لذا انتظار می‌رود تورم نابرابری توزیع درآمد را تشدید کند.

انتظار می‌رود افزایش درآمد در گروه‌های با درآمد بالا از کانال پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی و به تبع آن کاهش نابرابری تاثیرگذار باشد. همچنین افزایش سطح درآمد طبقات پایین، تقاضا برای کالاهای ضروری نظیر غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و امنیت که عمدتاً در داخل تولید می‌شود را بالا می‌برد و این امر به دنبال خود اشتغال و تولید ملی را افزایش می‌دهد و سبب کاهش نابرابری خواهد شد. یکی از عوامل تاثیرگذار دیگر بر توزیع درآمد، تولید ناخالص داخلی سرانه است. فرضیه کوزنتس در این رابطه مبین آن است که در مراحل اولیه توسعه، شکاف درآمدی افزایش و در مراحل بالاتر توسعه، نابرابری کاهش می‌یابد.

نرخ مشارکت اقتصادی، متاثر از عواملی از جمله ساختار جمعیت، جنسیت، تغییر سبک زندگی، آموزش و تحصیلات، کسب درآمد بدون کار، نرخ تورم، سطح دستمزدها و نرخ رشد اقتصادی است. با تغییر وضع خانوارها از شاغل بودن به سمت غیرفعال بودن، درآمد خانوارها کاهش و توزیع درآمد بدتر خواهد شد.

اعطای اعتبار و وام نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید تأثیر می‌گذارد. در کوتاه مدت، تزریق وام و اعتبار به صورت سرمایه در گردش در جریان تولید کالا و خدمات با فرض ثابت بودن حجم سرمایه، باعث افزایش سطح اشتغال و در بلندمدت با تبدیل جریان وام و اعتبار به سرمایه ثابت تغییرات تکنولوژیکی پدید می‌آید. در صورتی که تغییرات تکنولوژیکی خنثی باشد، یعنی در نسبت نهاده سرمایه به کار تغییری ایجاد نشود، اشتغال ثابت باقی می‌ماند. حال اگر فناوری غیرخنثی باشد، تغییر در اشتغال ایجاد می‌شود. بنابراین از جنبه توسعه مالی، آثار مثبت به کارگیری صحیح و بهینه جریان وام و اعتبار می‌تواند افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، درآمد و اشتغال و در نتیجه بهبود توزیع درآمد باشد.

اعتبارات هزینه‌های دولت صرف حفظ و نگهداری ظرفیت‌های ایجاد شده توسط دولت می‌شود که شامل هزینه جبران خدمات کارکنان، استفاده از کالا و خدمات، هزینه‌های اموال و دارایی، یارانه، کمک‌های بلاعوض، رفاه اجتماعی و سایر هزینه‌های تامین و هزینه‌های اعمال حاکمیت و استقرار نظام می‌باشد. این اعتبارات از محل درآمدهای عمومی تامین می‌گردد. از نظر بلجر و گورریو^{۳۴}، ۱۹۹۰ هزینه‌های دولت به دلایل روش تامین مالی آن، ترکیب هزینه‌های دولتی و توزیع این مخارج بین بخش‌ها می‌تواند آثار مساعد یا نامساعدی بر توزیع درآمد داشته باشند. بعنوان نمونه در مناطق کم درآمد و کم توسعه یافته، مخارج (اجتماعی) دولت به دلیل افزایش ظرفیت درآمدی اشخاص و خانوارها به تقلیل نابرابری کمک می‌کند و پرداخت‌های انتقالی دولت بدون توجه به توانایی‌های افراد به طور مستقیم تعدیلاتی در توزیع درآمد بوجود می‌آورند. همچنین سرمایه‌گذاری دولت در پروژه‌های صنعتی می‌تواند منبع درآمد سودآوری را برای ثروتمندان ایجاد کند که در بلندمدت سبب افزایش شکاف درآمدی و توزیع نامناسب درآمد شود. شایان ذکر است از دیدگاه اقتصاددان‌هایی نظیر دوارژن و سوارپو^{۳۵}، ۱۹۹۶، علت رابطه منفی بین مخارج دولتی، سرمایه‌گذاری، رشد و نهایتاً افزایش نابرابری‌ها می‌تواند ناشی از انحراف مخارج دولتی از مقدار بهینه آن باشد. براساس توضیحات بالا، مدل برآوردی در مقاله به صورت رابطه ۱ است:

(رابطه ۱)

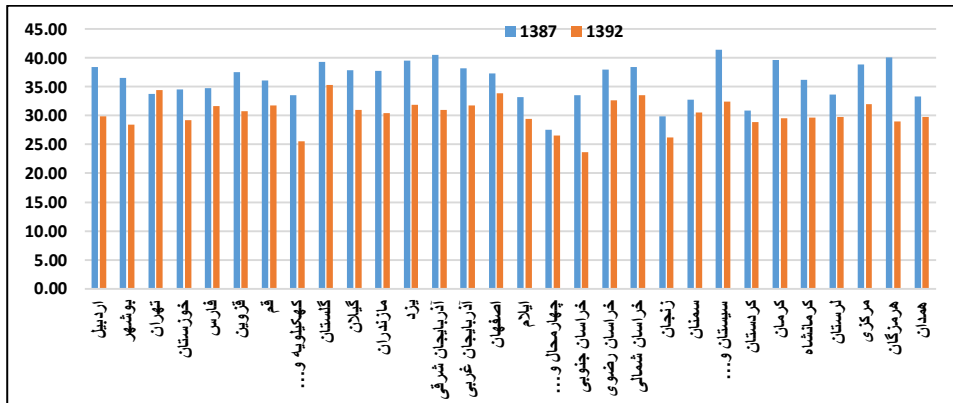
$$GGINI_{jit} = \alpha_{jit} + \beta_{1jit} GCREDIT_{jit} + \beta_{2jit} GPCI_{jit} + \beta_{3jit} INF_{jit} + \beta_{4jit} GCPR_{jit} + \beta_{5jit} GCE_{jit} + \beta_{6jit} GSGDP_{jit} + \varepsilon_{jit} \quad j = 1, 2$$

که در آن:

GSGDP نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی استانی (به قیمت ثابت ۱۳۸۳)، GCE نرخ رشد اعتبارات هزینه‌ای استانی از محل درآمدهای عمومی (به قیمت ثابت ۱۳۸۳)، GCPR نرخ مشارکت اقتصادی استان، inf نرخ تورم سالانه استانی (براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده به قیمت ثابت ۱۳۸۳)، GPCI نرخ رشد درآمد سرانه یک خانوار شهری و روستایی به تفکیک استان‌ها. GCREDIT نرخ رشد تسهیلات خرد اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی و به تفکیک استانی که شامل مجموع تسهیلات اعطایی (قرض الحسنه، جعاله، سلف، مضاربه، خرید دین، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک) ۱۳ بانک دولتی و خصوصی (شامل بانک‌های ملی، سپه، رفاه کارگران، مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن، توسعه صادرات، توسعه تعاون، پست بانک، قرض الحسنه مهر ایران، ملت، صادرات و تجارت)، GGINI ضریب جینی است. i استان، t دوره زمانی و j نماد مدل برآوردی برای استان‌های با درآمد سرانه بالا و پایین خانوار می‌باشد. داده‌های مدل از گزارش‌های مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سالنامه‌های آماری استانی جمع‌آوری شده است.

۷- روند تغییرات ضریب جینی و تسهیلات اعطایی خرد بانک‌ها

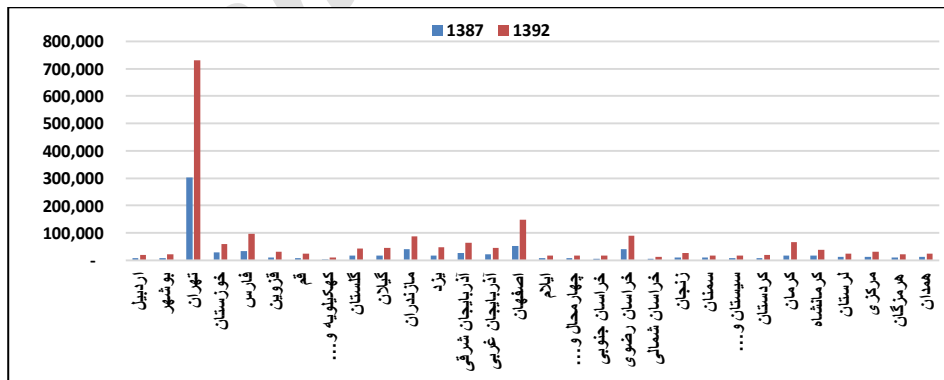
نمودار ۱، ضریب جینی استان‌های کشور را برای ابتدا و انتهای دوره یعنی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۷ سیستان و بلوچستان دارای بیشترین ضریب جینی (۴۱،۴۵) و چهارمحال و بختیاری دارای کمترین ضریب جینی (۲۷،۶۰) می‌باشند که هر دو از استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار می‌باشند. در این سال استان یزد با رقم ۳۹،۶ بیشترین ضریب جینی و استان کهگیلویه و بویر احمد با رقم ۳۳،۵ کمترین ضریب جینی را بین استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار دارند. در سال ۱۳۹۲ وضعیت توزیع درآمد برای تمامی استان‌ها به غیر از تهران بهتر شده است. در این سال استان گلستان (جزو استان‌های با درآمد سرانه بالا) با مقدار ۳۵،۳۵۰ دارای بیشترین نابرابری و استان خراسان جنوبی (جزو استان‌های با درآمد سرانه پایین) با مقدار ۲۳،۶۵۰ دارای کمترین نابرابری می‌باشد.



نمودار ۱- ضریب جینی (بر حسب درصد)

منبع: مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف

نمودار ۲ تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی در استان‌های کشور را برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲ نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲، استان تهران بیشترین میزان اعتبارات اعطایی خرد و استان کهگیلویه و بویر احمد کمترین میزان اعتبارات اعطایی بانکی خرد را به خانوارها اعطا نموده است. روند تغییرات سالانه تسهیلات خرد اعطایی بانکی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد بیشترین افزایش متوسط سالانه نرخ اعتبارات اعطایی برای استان کرمان با نرخ متوسط سالیانه ۳۱٫۲۵ درصد و کمترین افزایش متوسط رشد سالانه اعتبارات برای استان سمنان با نرخ سالیانه ۱۴٫۴۶ درصد افزایش بوده است که هر دو در گروه استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار می‌باشند.



نمودار ۲- تسهیلات اعطایی خرد بانک‌ها (بر حسب میلیارد ریال)

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف

۸- برآورد مدل

برای بررسی اثر عوامل موثر بر ضریب جینی در استان‌های کشور از روش پنل استفاده شده است. پیش از تخمین مدل باید مشخص شود آیا عرض از مبدأ مدل برای مقاطع مختلف مدل (استان‌های در نظر گرفته شده) یکسان است یا متفاوت؟ برای این منظور از آزمون F (آزمون چاو) استفاده می‌شود.

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(R_u^2 - R_p^2)/(n-1)}{(1-R_p^2)/(nt-n-k)} \quad (2)$$

در رابطه ۲، n تعداد استان‌ها، t طول دوره مورد نظر و k تعداد پارامترها می‌باشد. علامت u نشان‌دهنده مدل محدود نشده و علامت p نشان‌دهنده مدل پولینگ می‌باشد.

جدول ۲- آزمون F لیمر

مدل‌ها	آماره	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
مدل استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار	۲,۵۶۹۰۲۳	(۱۱,۵۴)	۰,۰۱۰۷	انتخاب پنل
مدل استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار	۵,۲۱۹۷۸۱	(۱۷,۸۴)	۰,۰۰۰۰	انتخاب پنل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج جدول ۲، فرضیه صفر مبنی بر مساوی بودن عرض از مبدأ همه استان‌ها رد می‌شود و اثرات گروه پذیرفته می‌شود. پس می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده نمود. برای این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت یا تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلال مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن‌ها از یکدیگر مستقل هستند. در جدول ۳ با توجه به خروجی این آزمون، مدل‌ها به صورت اثرات تصادفی تخمین زده می‌شوند.

جدول ۳- آزمون هاسمن

مدل‌ها	آماره کای دو	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
مدل استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار	۱,۳۹۰۶۵۳	۶	۰,۹۶۶۴	اثرات تصادفی
مدل استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار	۹,۰۷۱۹۲۰	۶	۰,۱۶۹۶	اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب، با استفاده از آزمون هم‌جمعی کائو وجود رابطه بلند مدت بررسی می‌شود. نتایج جدول ۴ حاکی از وجود هم‌جمعی در مدل است.

جدول ۴- آزمون کائو ADF

نتیجه	احتمال	آماره t	مدل‌ها
وجود هم‌جمعی	۰,۰۰۰۰	- ۴,۲۹۲۹۳۶	مدل استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار
وجود هم‌جمعی	۰,۰۰۶۵	- ۲,۴۸۱۹۲۰	مدل استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون لوین، لین و چو در جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیرهای مدل در سطح داده ایستا می‌باشند.

جدول ۵- آزمون لوین، لین و چو

شرح	مدل استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار		مدل استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار	
	آماره	احتمال	آماره	احتمال
متغیرها				
GGINI	- ۳,۱۷	۰,۰۰۰۸	- ۲,۸۳	۰,۰۰۲۳
INF	- ۲۰,۷۶	۰,۰۰۰۰	- ۱۶,۹۳	۰,۰۰۰۰
GSGDP	- ۶,۸۲	۰,۰۰۰۰	- ۶,۵۰	۰,۰۰۰۰
GCPR	- ۸,۶۰	۰,۰۰۰۰	- ۱۲,۳۴	۰,۰۰۰۰
GCE	- ۳۸,۲۵	۰,۰۰۰۰	- ۲۶,۴۷	۰,۰۰۰۰
GPCI	- ۶,۳۴	۰,۰۰۰۰	- ۳,۳۹	۰,۰۰۰۳
GCREDIT	- ۱۲,۱۳	۰,۰۰۰۰	- ۱۴,۴۵	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج تخمین برای دو مدل استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار و استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار، در جدول ۶ گزارش شده است.

در مدل‌های برآوردی آماره دوربین واتسون حاکی از عدم خودهمبستگی است. احتمال آماره F حاکی از معناداری کل رگرسیون است.

جدول ۶- برآورد مدل‌ها براساس روش اثرات تصادفی

شرح	مدل استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار	مدل استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار
متغیرها	ضریب (احتمال)	ضریب (احتمال)
Gcredit	-	۰,۰۵۰ (۰,۰۳۴)
Gcredit(-2)	- ۰,۱۰۸ (۰,۰۰)	-
Inf(-2)	۰,۱۰۱ (۰,۰۶۴)	۰,۰۷۰ (۰,۱۰)
Gsgdp(-2)	- ۰,۰۷۱۸ (۰,۰۵۹)	- ۰,۰۵۳ (۰,۰۰۷)
Gcpr	- ۰,۲۷۸ (۰,۰۱۴)	-
Gcpr(-2)	-	۰,۲۲۱ (۰,۰۸)
Gce	- ۰,۰۷۷ (۰,۰۳)	-
Gce(-1)	-	۰,۰۶۰ (۰,۰۰۹)
Gpci(-2)	- ۰,۰۷۵ (۰,۰۰۸)	- ۰,۰۴۸ (۰,۰۹۱)
C	۴۴,۸۳۵ (۰,۰۰)	۳۲,۲۱۳ (۰,۰۰)
F	۱۲,۵۳ (۰,۰۰)	۱۶,۱۰ (۰,۰۰)
DW	۱,۸۹	۲,۱۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

رشد تسهیلات خرد اعطایی بانکی در استان‌های با درآمد سرانه پایین خانوار، سبب کاهش نابرابری درآمدی می‌شود، اما این تسهیلات در استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار سبب افزایش ضریب جینی یا به عبارتی بدتر شدن توزیع درآمد شده است. اثر نرخ تورم در دو سال گذشته در هر دو مدل معنادار است و سبب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود اما اثر آن برای استان‌های با درآمد سرانه خانوار پایین بیشتر است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌ها در مدل‌های برآوردی معنادار است و سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. با افزایش یک درصدی رشد تولید ناخالص داخلی سرانه استان‌های با درآمد بالا و پایین به ترتیب ضریب جینی را ۰,۰۵ و ۰,۰۷ درصد کاهش می‌دهد. افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در دو سال گذشته در استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار، سبب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود ولی افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در استان‌های با درآمد سرانه خانوار پایین، سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. افزایش رشد اعتبارات هزینه‌ای دولت در استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار توزیع درآمد را بدتر می‌کند و رشد اعتبارات هزینه‌ای دولت در سال گذشته در استان‌های با درآمد سرانه خانوار پایین سطح توزیع

درآمد را بهتر می‌کند که حاکی از اثر مثبت بهبود امکانات زیرساختی در این استان‌ها می‌باشد. نهایتاً افزایش نرخ رشد درآمد سرانه خانوارها با وقفه در دو مدل، توزیع درآمد را بهتر می‌کند.

۹- نتیجه‌گیری

بررسی تجربه کشورهای موفق در اجرای سیاست‌های اعتباری خرد برای کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد نشان می‌دهد اعطای اعتبارات به کسب و کارهای با سرمایه‌گذاری اندک و بیشتر در حوزه کشاورزی و صنایع وابسته به آن برای خانوارهای کم درآمد وضعیت معیشتی خانوارها را با ایجاد اشتغال بهبود می‌بخشد. خانوارهای دریافت کننده اعتبارات نیازی به فراهم نمودن وثیقه ندارند و دولت ضمانت آن‌ها را می‌کند. البته با تعریف فرایندهای نظارتی بر مصرف وام‌ها، نرخ نکول وام‌ها معمولاً پایین است. همچنین با ارائه برنامه‌هایی برای آموزش خانوارها در حوزه کسب و کارهای تعریف شده، میزان بهره‌وری نیروی انسانی را افزایش می‌دهند.

نتایج این مطالعات نشان می‌دهد سیاست‌های اعتباری خرد در استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار منجر به نابرابری توزیع درآمد می‌شود اما اجرای این سیاست در استان‌های با درآمد سرانه خانوار پایین منجر به بهبود توزیع درآمد می‌شود که این به معنای قبول فرضیه اول مبنی بر پذیرش اثر سیاست‌های اعتباری خرد در بهبود توزیع درآمد استان‌های با درآمد سرانه خانوار کم و رد فرضیه دوم مبنی بر تاثیر مثبت سیاست‌های اعتباری خرد در بهبود توزیع درآمدی استان‌های با درآمد سرانه بالا می‌باشد. نتایج این تحقیق تاییدکننده نتایج مطالعات فرهاد ایسرا و علی رحمت، ۲۰۱۳ نیز می‌باشد.

توسعه نیافتگی بازار پولی اقتصاد ایران از جنبه‌های تامین منابع اعتبارات، فرایند اعطای اعتبارات به لحاظ گزینش طرح‌های اقتصادی و نظارت بر مصرف این اعتبارات سبب شده است اعطای اعتبارات اثر مطلوب و کافی بر توزیع درآمد نداشته باشد. استان‌های با درآمد پایین دارای پتانسیل‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌های خرد در حوزه‌هایی مانند صنایع دستی، کشاورزی، دامپروری و غیره می‌باشند. همچنین در شاخه صنعت ایجاد کارگاه‌های کوچک نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه محدودتری نسبت به کلان شهرهای با درآمد بالا دارند. لذا اعطای اعتبارات در این حوزه‌ها، تولید و اشتغال را افزایش و به دنبال آن سبب بهبود توزیع درآمد می‌شود. در مقابل در استان‌های با درآمد بالا از یک طرف فرصت سرمایه‌گذاری‌های کوچک محدود است و از طرف دیگر سرمایه‌گذاری اولیه برای ایجاد کارگاه صنعتی بیشتر است. در سال‌های مورد بررسی بخش نظام بانکداری اقتصاد ایران دچار سرکوب مالی شده است (نرخ بهره حقیقی وام‌ها منفی است) و برای دریافت اعتبارات صف وجود دارد. نسبت کم این تسهیلات و وجود خانوارهای محدود واجد شرایط

برای دریافت وام (توان تامین ضامن و یا وثیقه) و یا داشتن رابطه برای دریافت وام موجب افزایش نایابری شده است. این عوامل سبب شده است که در این استان‌ها، اعطای اعتبارات خرد از هدف اولیه که همان بهبود توزیع درآمد باشد منحرف شود.

برای رسیدن به هدف بهبود توزیع درآمد از کانال اعتبارات لازم است بررسی‌های دقیق‌تری در رابطه با ماهیت این نوع اعتبارات صورت گیرد. منبع مصرف اعتبارات اعطایی در استان‌های توسعه نیافته و کم درآمد مشخص شود و با توجه به مشکل تهیه ضامن و وثیقه برای متقاضیان این استان‌ها می‌توان نهادهای ضمانت کننده، بیمه‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های اعتبار خرد را تعریف نمود تا امر اعطای اعتبارات تسهیل شود. از طرف دیگر نظارت کافی بر مصرف آن وجود داشته باشد تا بانک‌ها دچار کژمنشی نشوند. در این صورت می‌توان با اعطای بیشتر وام به این استان‌ها، توزیع درآمد را در این استان‌ها بهتر نمود. موفق بودن سیاست‌های اعتبارات در این استان‌ها با هدف اشتغال و تولید، انگیزه آن‌ها برای مهاجرت به استان‌ها با درآمد بالاتر کاهش می‌دهد که این امر خود نیز بر توزیع درآمد این استان‌ها تاثیر مثبت خواهد داشت.

در استان‌های با درآمد بالاتر به نظر می‌رسد که باید سیاست‌هایی در جهت توزیع عادلانه‌تر اعتبارات بین خانوارها (از جنبه دسترسی) اتخاذ نمود. از طرف دیگر در مورد وام‌های اعطایی و نوع مصرف آن مطالعات کارشناسی بیشتری انجام داد تا کسب و کارهایی که با این میزان اعتبار محدود قابل راه‌اندازی است شناسایی شوند و یا حتی میزان وام را در این استان‌ها واقع‌بینانه‌تر تعیین نمود.

فهرست منابع

- ۱) آریانی، ف، علمی (۱۳۹۰)، بررسی اثر توسعه بازارهای مالی بر توزیع درآمد در ایران، اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶۹، زمستان، صص ۱۳۳ - ۱۵۸.
- ۲) احمدی، علی اکبر، رستمی نیا، غیبی (۱۳۹۵)، اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته با روش گشتاورهای تعمیم یافته GMM، فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۱۰، شماره ۳۶، پاییز، صص ۳۲-۱۵.
- ۳) ازوجی، ع، حسن زاده، قویدل (۱۳۸۵)، بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی، اقتصاد اسلامی، سال ششم، بهار، صص ۴۵ - ۷۰.
- ۴) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای مالی اقتصادی استان‌های کشور (سال‌های مختلف).
- ۵) بختیاری، صادق (۱۳۸۴)، اعتبارات خرد و کاهش فقر روستایی: ارائه چند تجربه، دانشگاه زاهدان، پنجمین کنفرانس دو سالانه اقتصاد کشاورزی ایران، شهریور، صص ۱ - ۱۹.
- ۶) برین، احسان (۱۳۹۲)، برنامه‌های تامین مالی خرد در کره، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۴، تابستان و پاییز، صص ۸۳ - ۸۴.
- ۷) پاکروان، الهام (۱۳۹۱)، ایده‌ای بومی اما بین‌المللی: گرامین چگونه مرزها را پشت سر گذاشت؟، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۵، بهار، صص ۱۰۰-۱۰۱.
- ۸) حسن زاده، ع، شهیدی نسب (۱۳۹۱)، رویکردی مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۳۳ - ۶۲.
- ۹) حسن زاده، ع، قویدل (۱۳۸۴)، چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران، مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۹، بهار، صص ۱۴۱-۱۶۸.
- ۱۰) حسینی، شمس الدین، قبادی (۱۳۹۷)، تحلیلی بر چگونگی تحولات توزیع درآمد در ایران مبتنی بر شاخص منتخب (۱۳۹۳-۱۳۸۳)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان، صص ۱۰۶-۷۵.
- ۱۱) دیزجی، منیژه، آهنگری گرگری (۱۳۹۴)، تاثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۹، شماره ۳۳، زمستان، صص ۱۰۳-۷۵.

- ۱۲) محمد یونس (۲۰۰۹)، جهانی بدون فقر، تیماجی، فنائیان و همکاران، موسسه پرتو، (۱۳۹۵).
- ۱۳) مرکز آمار ایران، جداول و سری‌های زمانی، حساب‌های ملی سال‌های مختلف.
- ۱۴) هوشمند، م، قاضی (۱۳۸۷)، بررسی اثر متقابل توزیع درآمد و رشد در اقتصاد ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، اردیبهشت.
- ۱۵) وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور، نماگرهای مالی بانکی استان‌های کشور (سال‌های مختلف).
- 16) -Blejer, M.I, Guerrero (1990), The Impact of Macroeconomic Policies on Income Distribution: An Empirical Study of the Philippines, Review of Economics and Statistics, Vol. 72, No. 3, p: 414-423.
- 17) -Devarajan, s, swaroop (1996), The composition of public expenditure and economic growth, Journal of Monetary Economics, vol. 37, issue 2-3, p: 313-344.
- 18) -Fahad, Israr, Rehmat (2013), Impact of macroeconomic policies on poverty alleviation in Pakistan Romanian Economic and Business Review – Vol. 8, No. 4, p: 48-60.
- 19) -Giang, Thi, Wang, Chien (2015), How Credit Affects the Poor Household's Expenditure? A Case Study of Vietnam, Journal of Finance and Economics, vol 3, No. 1, p: 31- 43.
- 20) -Larry R, R, Beffus (1994), Transformation Lending: Helping Microenterprise Become Small Business, in Maria Otero and Elisabeth Rhyne (eds)The New World of Microenterprise Finance West Hartford, CT: Kumarian Press.
- 21) -Mazumder, Shofi Ullah, Wencong, Lu, (2013), micro-credit and poverty reduction: a case of Bangladesh, University of Economics, Prague Economic Papers,3, p: 403-417.

یادداشت‌ها

- ¹. Friederich Raffeisen
- ². Marguerite Robinson
- ³. Gramin bank, 1983
- ⁴. Grameen Bank, 1983
- ⁵. Grameen Trust
- ⁶. Grameen Krishi
- ⁷. Grameen Uddog
- ⁸. Grameen Fund
- ⁹. Grameen Motsho & Pashusampad
- ¹⁰. Grameen Telecom
- ¹¹. Grameen Shakti
- ¹². Grameen Cybernet
- ¹³. Grameen Kalyan
- ¹⁴. Grameen Phone
- ¹⁵. Grameen Shikkha
- ¹⁶. Grameen Capital mgmt

17. Grameen Solutions
18. Grameen Byabosa Bikash
19. Grameen Star Education
20. Grameen Healthcare Trust
21. Grameen Danone
22. Amanah Ikhtiar Malaysia (AIM)
23. Executive Development Program (EDP)
24. Dormant Saving سپرده مسکوت و خوابیده، سپرده‌ای است که برای چند سال از آن برداشتی نمی‌شود و در بانک باقی می‌ماند.
25. PROGRESA
26. Human Capital
27. Rural Development Banks (RDBs)
28. Muslims Aid in Sri Lanka (MAISL)
29. Bank Rakyat Indonesia (BRI), 1968
30. Reed, Larry R. and David Boffus, 1994
31. Shofi Ullah Mazumder, M & Wencong , Lu , 2013
32. Israr Fahad & Ali Rehmat, 2013
33. Thi Giang, Guohua Wang, and Dinh Chien , 2015
34. Blejer, M.I. and I. Guerrero (1990)
35. devarajan s , v.swaroop (1996)